

پیش‌خواران

نگاهی به کتاب «معصومیت در حصار قدرت»

روایتی پژوهشی از کانون پرورش فکری در دوران پهلوی

■ سمانه صادقی



اثری که هم‌اینک در معرفی آن سخن می‌رود، در بردارنده تأملاتی تاریخی درباره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره پهلوی است. این تحقیق از نسوی

محمود ذکاوت انجام گرفته و پژوهشکده تاریخ معاصر آن را چاپ و منتشر ساخته است. تارنمای ناشر در باب موضوع مورد تحقیق در این کتاب، به نکات بی آمده‌اشارت برده است: «از آنجا که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره پهلوی، یکی از نهادهای قدرت برای آموزش و تربیت کودکان بود، محمود ذکاوت نویسنده اثر معصومیت در حصار قدرت، پژوهش خود در این حوزه را با این پرسش مهم انجام داده است که کانون در آن دوره در حوزه کتاب کودک چه جایگاهی داشت؟ نسبت کانون با دربار چه بود؟ جریان چپ با وجود ناسازگاری با دولت پهلوی، چگونه در کانون یکی از مهم‌ترین نهادهای دبار پایگاه داشت؟ آیا آنگونه که ادعا می‌شود، کودکی و کتاب کودک در ایران با تأسیس کانون به ظهور رسید؟ نقش مدیران کانون، خاصه شخص لیلی جهان‌آرا (امیرارجمند) در این ماجراها چه بود؟ این نویسنده معتقد است با وجود گذشت نزدیک به نیم‌قرن از دوره مورد نظر، فهم و شناخت جایگاه و عملکرد کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و نیروهای آن، بیش از هر چیز تحت تأثیر مشهورات است. بنابراین کوشیده است تا در این تحقیق، با تمرکز بر تاریخ، کودکی ادبیات کودک و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دوره پهلوی، به پرسش‌های یادشده پاسخ دهد و بخش زیادی از مشهورات این عرصه را بیان و آنها را به چالش بکشد. بی تردید آنچه در وصف آن سخن رفت،



► لیلی امیرارجمند، رئیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

یکی از مهم‌ترین موضوعات مربوط به دوره پادشاهی پهلوی دوم به شمار می‌رود و معمولاً نیز از آن استفاده تبلیغاتی و تحریف‌آمیز شده است. «در «معصومیت در حصار قدرت»، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از زوایای گوناگون دیده شده است. ترتیب مطالب مطرح شده به این شرح است: «در فصل نخست معصومیت در حصار قدرت و با عنوان برنامه قدرت برای کودکان، نکات ذیل مورد بررسی قرار گرفته‌اند: مبلغان و مدیران تغییر اهداف فرهنگی نهادهای بین المللی، حصار دولت پهلوی، میدان رویارویی قدرت و مقاومت، قدرت و کانون، مسئله چیست؟ و بسترهای توجه به کودکان در دوره پهلوی. در فصل دوم که با سراغز تغییر در مسیر ادبیات کودکان سامان یافته است، این موضوعات تشریح شده‌اند: ادبیات کودک قبل از تأسیس کانون، تشکیک در تأثیر گذاری کانون، انحراف در مسیر (تاکام گذاشتن شورای کتاب کودک) فصل سوم از پژوهش نیز که تیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را بر خود دارد، در بردارنده این مقولات است: تناقض استعاره نخستین کتاب چپ‌ها و کانون، کودک منهای خانواده، فصل چهارم شامل نکاتی درباره لیلی جهان‌آرا (امیرارجمند) است که اسناد ساواک درباره شخصیت و نقش او سخنان فراوان دارد. در این بخش، موضوعات مورد توجه از این قرارند: ارتباط با سرویس‌های امنیتی، فساد مالی در کلون، کانون و ساواک بر ایند. در پایان نیز منابع، اسناد و تصاویر و نام‌های اشخاص آمده‌اند...» این کتاب در ۱۴۶ صفحه و هزار نسخه، به همت انتشارات پژوهشکده تاریخ معاصر، برای نخستین‌بار در سال ۱۴۰۴ منتشر شده است. جهت تهیه کتاب معصومیت در حصار قدرت (تأملی درباره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)، به فروشگاه کتاب پژوهشکده در فضای مجازی، با مراکز پخش کتاب‌های این پژوهشکده در تهران و شهرستان‌ها مراجعه فرمایید...»

عاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۸۵۲۳



گزارشی از نشست تخصصی «روایت زن تر از انقلاب اسلامی و بایسته‌های آن»

روایت‌های تاریخی زنان دگرخواه ظریف و مؤثر است

■ نوشه میرمعینی

در مورخه ۱۵مهر ۱۴۰۳شمسی و همزمان با سالروز «طوفان الاقصی»، نشست تخصصی با عنوان «پنجره‌ای روبه روایت»، به همت معاونت راهبردی بانوان سازمان تبلیغات انقلاب اسلامی برگزار شد. در این نشست که با هدف بررسی روایت نویسی درباره زنان پر چسته و تراز انقلاب اسلامی و بایسته‌های آن بر پا شده بود، پنج تن از بانوان متخصص صاحب‌نظر به ارائه دیدگاه‌های خود در این زمینه پرداختند. روایت‌نویسی به عنوان ابزاری مهم برای جنگ رسانه‌ای و فرهنگی با دشمن، جایگاه ویژه‌ای در تولیدات مکتوب دارد. چنانچه رهبر معظم انقلاب اسلامی در مورخه ۱۱دی ۱۴۰۳ ش و در پیام به نشست افق تحول رسانه ملی

■ تفاوت «دلنوشته»، «یادداشت» و «روایت» زهره علی‌عسگری، نویسنده و شاعر پیشکسوت، در سخنانی با موضوع «تفاوت دلنوشته، یادداشت و روایت»، در این نشست گفت: «توشن نوعی هنر، و قلم ابزار بیان روینیات انسان است. در هر چه اول ذهنی می‌تواند بنویسد که از حوادث و وقایع اطرافش تأثیرپذیر باشد، یعنی نسبت به محیط پیرامونش، حساس و هوشیار باشد. ذهنی که نسبت به اطرافش بی‌تفاوت یا کم‌دقت است، نمی‌تواند نویسنده خوبی باشد، اما در مرحله بعد، آموزش مطرح می‌شود، یعنی آن ذهن نکته‌سنج و دقیق، نسبت به اطرافش که ذوق نوشتن دارد، باید روش‌ها و قالب‌های نوشتن را هم بداند. یکی از قالب‌های نوشتاری، دلنوشته است این عنوان به درست یا نادرست، برای آسان‌نوشته‌ها مفول خود با تکیه بر عواطف و تخیل می‌نویسد. در مقابل، یادداشت متنی مبتنی بر واقعیت است، اما همراه با شرح یک موضوع، تحلیل یا نگاه انتقادی به آن. در واقع نویسنده در یادداشت، ابتدا واقعیت یا زاویه خاصی از یک واقعیت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... را مورد توجه قرار می‌دهد که از نگاه بسیاری از مردم مغفول مانده است. پس وی با شرح مختصر موضوع و سپس با تمجید، تحلیل یا انتقاد، آن مسئله را از زوایایی می‌کند، حتی نویسنده ممکن است در یادداشت خود، درباره آینده و عواقب آن موضوع یا حادثه پیشگویی هم بکند! در این مرحله یادداشت نویس باید با جرأت نظر خود را بیان کند، هر چند که ممکن است آن نظر از سوی کارشناسان یا مخاطبان رد شود، اما قالب روایت، قالبی متفاوت از دلنوشته و یادداشت است. به این معنا که روایت به نقل دقیق یک واقعیت یا مشخص شدن زمان، مکان و شخصیت‌ها می‌پردازد و هیچ عنصر مهمی

نیاید در آن باقی بماند. خواننده باید بتواند در این گونه، مسیر رویداد را از شروع ماجرا تا پایان آن دنبال کند. در روایت‌نویسی، تخیل هیچ جایگاهی ندارد. البته ممکن است نویسنده برای توضیح یک حادثه، موضوع یا مسئله‌ای، مجبور شود مقداری فضا سازی کند، اما اجازه ندارد در توضیحات مربوط به شرح وضعیت زمان و مکان مثلاً یک حادثه از تخیل استفاده کند، بلکه در همان فضاسازی هم باید پایبندی به واقعیت را کاملاً رعایت کند»

خانم علی‌عسگری در پایان سخنانش، شرط اصلی نویسندگی در همه قالب‌ها را «داشتن صدق نیت» عنوان و تأکید کرد: «قلم نعمتی الهی است و رسالت نویسنده، بیان صادقانه درون خود و تأثیر گذاری بر مخاطب است. اگر نویسنده دنبال دغل کاری، کم‌فروشی و فریبکاری نبود و صدق نیت داشت، دیگر نیاید از واکنش‌های مخالف و انتقادها ترس داشته باشد و در ضمن با رعایت این شرط، می‌تواند تأثیر گذار بر مخاطب‌ها نیز به دست آورد.»

■ ویژگی زنان در روایتگری

در بخش دوم، طیبه میرزا اسکندری، فعال آموزش زنان و از پیشکسوتان عرصه مطبوعات و رسانه، به بررسی جایگاه ویژه زنان در روایتگری و تفاوت‌های طبیعی و روانشناختی میان زن و مرد در این حوزه پرداخت. وی مابنی دینی و اعتقادی، زن و مرد در ماهیت انسانی و معنوی برابر هستند، اما در ابعاد جسمانی، فکری، عاطفی و رفتاری تفاوت‌هایی باهم دارند. گرچه باید توجه داشت که از نگاه الهی، این تفاوت‌ها حکیمانه و عامل تکامل آنهاست. حال همین تفاوت‌ها در بحث روایتگری، ویژگی‌های خاصی به زنان می‌دهد که بسیار مهم هستند. مثلاً زنان از نظر عواطف قوی‌تر از مردانند، البته نه به معنای اینکه چون احساسات

فرمودند: «امروز پیروزی یک طرف را توانایی او در گرفتن و رساندن پیام و روایت او از واقعیت رقم می‌زند. بسیار پیش و پیش از آنکه ابزارهای نظامی وارد میدان شوند و در آن اثر بگذارند، ما در این عرصه مهم، باید دقت و تلاش و ابتکار خود را مضاعف کنیم...» بر همین اساس در نشست تخصصی «پنجره‌ای رو به روایت»، خانم‌ها «زهره علی‌عسگری»، «طیبه میرزا اسکندری»، «فریبا انیسی»، «سیدهد زینب سیداحمدی» و «زهر اباوالحسنی» به عنوان فعالان آموز زنان و روایت‌نویسی، به بیان دیدگاه‌های خود درباره روایت‌نویسی بانوان و بایسته‌های آن پرداختند. آنچه در بی می‌آید، شمه‌ای از مطالب مطرح‌وه در این هم‌اندیشی است: امید انقلاب اسلامی در مورخه ۱۱دی ۱۴۰۳ ش و در پیام به نشست افق تحول رسانه ملی

بالا‌تری دارند، پس عقلانیت پایین‌تری نسبت به مردان دارند، بلکه بروز احساسی آنها در واکنش‌های‌شان شدیدتر از مردان است. زنان براساس همان قوی‌تر بودن بعد احساس در وجودشان دیگر خواه هستند، ویژگی‌ای که باعث بقای و استحکام خانواده و جامعه می‌شود. این خصوصیت چنان در عموم مادران پررنگ است، که کسی قادر نیست آن را انکار کند. بر همین اساس وقتی زنان با همین روحیه دیگر خواهی وارد جامعه شوند، منافع جمع را بر منافع فردی ترجیح می‌دهند و با نگاه مادری، به مسئولیت‌ها و تکالیف اجتماعی عمل می‌کنند. پس وقتی قرار باشد که زن با همین روحیه دیگر خواهی و احساس قوی موضوعی را روایت کند، می‌تواند هم در موضوع بایی و هم در شرح قضیه، بسیار قوی و تأثیر گذار بنویسد. ویژگی دیگری که زنان را تا حدود زیادی از مردان متفاوت می‌کند، علاقه‌مندی آنها به انجام مناسک و مراسم، به خصوص مناسک و مراسم دینی است. تقید زنان به برپایی یا شرکت در مراسم دینی، بیشتر از مردان است. چنانچه حضور فعال بانوان در روزه‌های خانگی، راهپیمایی‌ها یا مراسمی چون پیاده روی اربعین، نشان از توجه ایمانی آنها به این موضوع دارد. همین تقید زنان برای زنده نگه‌داشتن مناسک و مراسم دینی، زمینه را برای بهتر روایت کردن چنین حرکت‌های جمعی دینی‌ای را فراهم می‌کند. ویژگی سومی که در روایتگری زنانه تأثیر زیادی دارد، توانایی بالای زنان در ارتباط گیری و تعامل با دیگران است. اینکه زنان به سرعت می‌توانند موضوعی برای صحبت کردن و مخاطب پیدا کردن بیابند، یک امتیاز مهم در روایتگری است. زنان به دلیل جزئی‌نگری و دقت در مشاهده، می‌توانند وقایع را با ظرافت بیشتری روایت کنند و از کنار واقعیت‌ها بی‌تفاوت نگذرند. همچنین تاب‌آوری جسمی و روحی بالای زنان و توانمندی آنها در ابراز احساسات، کمک



۱۴۰۴ نشست تخصصی «روایت زن تر از انقلاب اسلامی و بایسته‌های آن»

د

طیبه میرزا اسکندری: «عنصری که در روایتگری زنانه تأثیر فراوان دارد، توانایی بالای زنان در ارتباط گیری و تعامل با دیگران است. اینکه زنان به سرعت می‌توانند موضوعی برای صحبت و مخاطب پیدا کردن بیابند، یک امتیاز مهم در روایتگری است. زنان به دلیل جزئی‌نگری و دقت در مشاهده می‌توانند وقایع را با ظرافت بیشتری روایت کنند و از کنار واقعیت‌ها بی‌تفاوت نگذرند. همچنین تاب‌آوری جسمی و روحی آنان کمک می‌کند تا روایت‌های مؤثرتری خلق کنند...»

می‌کند تا روایت‌های صادقانه‌تر و تأثیر گذارتری خلق کنند. به طور مثال وقتی روایت خبرنگاران یا فعالان فضای مجازی زنان غزهای را با خبرنگاران یا بلاگرهای مرد غزه‌ای در بیان رنج مردم غزه و عقق جنایات اسرائیل با هم مقایسه کنیم، کاملاً این موضوع مشهود است. از طرف دیگر نگاه چندبعدی و جامع زنان در تحلیل مسائل، هنری است که در روایتگری جایگاهی مهمی دارد و این توانمندی باعث می‌شود که زنان بتوانند در جریان‌های آزادی‌خواهانه و رسانه‌ای، نقش مؤثر و پیشرو ایفا کنند. همین‌طور که در حال حاضر، بخش بسیار مهمی از اعضای کاروان دریایی صمود (پایداری) برای شکستن محاصره غزه زن‌ها بوده‌اند. این زن‌ها عموماً نقش هدایتگری و سخنگویی این کاروان را برعهده داشتند. وظیفه امروز ما در ایران، روایت اندیشه، زندگی و افکار این بانوان آزاده است که در کاروان دریایی صمود حضور پیدا کردند.»

■ نقش پژوهش و راستی‌آزمایی در روایت

فریبا انیسی، نویسنده و پژوهشگر حوزه دفاع‌مقدس به عنوان سومین کارشناس پیشکسوت در ارائه‌ای با عنوان «نقش تحقیقات و پژوهش در روایت‌نویسی» خاطر نشان کرد: «پژوهش، جست‌وجو برای یافتن ناشناخته‌هاست، یعنی زمانی که نویسنده می‌خواهد یک موضوع یا حادثه را روایت کند، باید در مرحله اول به علت‌یابی وقوع حادثه و چگونگی وقوع آن توجه داشته باشد. در واقع روایت نویس وظیفه دارد که فاصله میان واقعیت تا حقیقت (علت اصلی وقوع حادثه یا ماجرا) را در ک کند تا بتواند روایت صحیح و کاملی را برای مخاطب به قلم بیاورد. حالا اگر قرار باشد که نویسنده یک واقعه تاریخی را برای مخاطب روایت کند، بعد از مرحله پژوهش و جمع‌آوری داده‌های تاریخی، باید به مرحله بررسی و تحلیل داده‌ها وارد شود. گاهی داده‌های تاریخی ناقص است، پس باید جست‌وجوی بیشتری برای به دست آوردن اطلاعات کامل داشته باشد. گاهی ممکن است که داده‌های تاریخی، با هم تفاوت یا تناقض داشته باشند. در چنین شرایطی نویسنده وظیفه دارد تا با تحقیق عمیق‌تر به راستی‌آزمایی داده‌های متفاوت یا متناقض بپردازد. به طور مثال ما شهید خانمی داریم که در تظاهرات‌های انقلاب اسلامی در سال ۵۷، تیر می‌خورد و قطع نخاع می‌شود. این فرد بعد از تحمل رنج‌های ناشی از آن ماجرا در سال ۶۱ شهید می‌شود و به بنیاد شهید هم نام او را جزو شهدای انقلاب ثبت می‌کند، اما خانواده و به ویژه مادر این خانم، در زمان شهادت دختر شان از بنیاد شهید تقاضا کرده بوده‌است که دخترش نه در قطعه شهید دفن شود و نه تابولی بنیاد شهید در مزار و سرد خانه‌شان نصب شود! بیش از ۲۰ سال از این شهید، تنها در بنیاد اطلاعات سال تولد، روز مجروحیت و مواج شهادت وجود داشت، خانواده‌اش از روحیه خودداری می‌کردند و حتی برخی در شهید بودن او نیز تشکیک می‌نمودند. تا اینکه بعد از سیست و چند سال، خواهر این خانم طی مصاحبه‌ای با نشر از زندگی خانوادگی‌اش، به علت چربی این قضیه می‌پردازد. او اعلام می‌کند که دایی و برادرش عضو سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بوده‌اند و به دلیل جو موجود در خانواده و واکنش طرف‌داران این گروه‌ک تروریستی، مادرش نمی‌توانسته درباره دختر شهیدش صحبتی بکند! گاهی سال‌ها طول می‌کشد تا حقیقت یک قضیه

تاریخی معلوم بشود. بر همین اساس، روایت‌های مختلف درباره سرگذشت شهید، نیازمند تطبیق و راستی‌آزمایی داده‌هاست. البته این فقط مختص به زندگینامه شهیدا و وقایع تاریخ دفاع مقدس نیست که نیاز به پژوهش‌های عمیق و دقیق دارد، بلکه در سایر موضوعات تاریخی نیز لازم است که چنین کاری صورت گیرد.»

خانم انیسی، در پایان اظهارات خود تأکید ورزید: «هدف پژوهش صرفاً جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه رسیدن به پاسخ پرسش اصلی و درک حقیقت است. در روایت‌نویسی، برخلاف پژوهش تجربی، هدف دستیابی به جواب قطعی نیست، بلکه بازنمایی حقیقت از خلال روایت‌هاست و هر روایت می‌تواند، حداقل بخشی از واقعیت را آشکار کند.

بنابراین روایت‌نویس باید بعد از مرحله پژوهش و رسیدن به پاسخ قطعی و صحیح، به روایت موضوع مورد نظر خود بپردازد.»

■ گزارش واقعیت با رعایت نظم در اجرا

سیدهد زینب سیداحمدی نویسنده و پژوهشگر حوزه دفاع‌مقدس، چهارمین سخنران این نشست بود که در تبیین پژوهش خود با عنوان «تجربه نگاری روایت جنگ ۱۲ روزه»، گفت: «روایت، گزارش واقعیتی است که بین اجزای آن نظم برقرار باشد. برای ایجاد این نظم لازم است که قبل از دست به قلم شدن، تحقیق صحیحی انجام شده باشد، اما برای به دست آوردن شناخت عمیق و انجام تحقیق، باید توجه داشت که طراحی سوالات دقیق و هدفمند در مصاحبه بسیار ضروری است. پرسیدن سوالات کلی، بدون توجه به ارتباط افراد مصاحبه شونده با موضوع، طبیعتاً پاسخ‌های غلط، ناقص و نامرتبط را به دنبال خواهد داشت، یعنی روایت‌نویس در حله مصاحبه باید هم به همدلی با مصاحبه‌شونده برسد و هم با تحقیق، به بازسازی فضای وقوع زمان حادثه یا زندگی شخص بپردازد. بر همین اساس نمی‌شود که نویسنده سوالات مشخصی را مثلاً هم از مادر شهید پرسد و هم از همسر و هم از برادر شهید! بلکه سوالات درباره شهید، باید متناسب با نقش هر فرد در خانواده، به صورت کاملاً مجزا طرح شود، اما شاید از آن سخت‌تر، مصاحبه با همکار و دفاع‌مقدس، شناخت عملیات‌ها، گردان‌ها، ادوات رزمی، فرماندها و وضعیت سیاسی مربوط به انجام عملیات در داخل و در سطح بین‌الملل... اهمیت بسیاری داشت، امروز هم برای روایت شهدای جنگ ۱۲ روزه، شناخت ابزار جنگی چون: لانچر، پهپاد، یگان موشکی، رده‌های نظامی هوا – فضا و... بسیار مهم است. نمی‌شود درباره یک شهید یگان موشکی روایتی بنویسیم، ولی از کار تخصصی او و نقشش در دفاع موشکی هیچ اطلاعاتی نداشته باشیم.»

خانم سیداحمدی، ضمن بیان اینکه بیش از ۲۰ سال است سابقه روایت نویسی و نویسندگی در حوزه دفاع‌مقدس و شهدای مدافع حرم را دارد، درباره تجربیات خود در مورد روایت شهدای جنگ ۱۲ روزه گفت: «برای من جالب است که در تحقیقات و مصاحبه با خانواده و همکاران شهدای جنگ ۱۲ روزه، نقاط مشترک بسیاری با زندگی و اندیشه شهدای جنگ تحمیلی هشت ساله می‌دیدم. آن هم در زندگی شهدای بسیار جوانی که سال‌ها بعد از پایان دوره دفاع مقدس هشت ساله به دنیا آمده بودند. همان اخلاقی‌ها و رعایت‌هایی که در شهدای دفاع‌مقدس هشت ساله داشتیم را در شهدای جنگ ۱۲ روزه هم می‌توان دید. حتی واکنش خانواده‌های‌شان هم نسبت به شهادت عزیزان‌شان، بسیار مشابه است. مثلاً زمانی که برای مصاحبه با مادر شهید معصومه عظیمی (مادر شهید صدوسیما)، به یادگار او (روستای جزینان طالقان) رفته بودم، مادر ایشان که بانویی ساده و روستایی بود را مانند مادران شهدای دفاع مقدس دیدم. وقتی از ایشان پرسیدم، فکرش را می‌کردید روزی مادر شهید بشوید؟ پاسخ داد: مملکت داری، یعنی اینکه بچه‌ات را بدی‌ی که مملکت باقی بماند! آن لحظه از جواب آن مادر و عمق نگاهش به وطن، واقعاً شگفت‌ده شدم. در آخر باید به این نکته توجه داشته باشیم که روایت باید الهام‌بخش باشد، اما روایت‌نویس باید در عین حال که نکات ریز و جزئی زندگی شهید را بیان می‌کند، از اسطور مسازی افراطی نیز پرهیز و انسانی متعارف را ترسیم کند.»

■ سیاست‌گذاری کلان در بخش روایت، لازمه پیشبرد اهداف نظام

در آخر این نشست، زهرا اباوالحسنی، رئیس گروه جامعه و پیرشت پژوهشکده مطالعات فناوری ایران، در سخنانی با عنوان «سیاست‌گذاری کلان نظام جمهوری اسلامی، در زمینه روایت زن تر از انقلاب اسلامی» تأکید ورزید: «روایت، یکی از راهبردی‌ترین ابزار، برای پیشبرد اهداف نظام اسلامی است. به همین دلیل نظام جمهوری اسلامی وظیفه دارد، ابتدا تعریفی دقیق از انسان تراز انقلاب اسلامی و در مرحله بعد، از زن تراز انقلاب اسلامی داشته باشد. رای رسیدن به این هدف، قاعده‌تا باید تعریف درستی از واقعیت موجود مردم کل کشور داشته باشیم، اما متأسفانه دیده می‌شود که بخشی از مسئولان و سیاست‌گذاران نظام، تحت تأثیر القابات دشمن یا داده‌های غلط تبلیغاتی، تعریف درستی از واقعیت‌های جامعه ندارند. به طور مثال براساس پیمایش‌های علمی که در چند مرکز از جمله در دانشکده باقرالعلوم (ع) انجام شده، داده‌ها نشان می‌دهد که در جریان جنگ ۱۲ روزه، مقاومت مردم تهران کاملاً بر اساس انگیزه‌های دین‌مدارانه صورت گرفته است، یعنی مردم با تکیه بر باورهای دینی خود، گزینه مقاومت را انتخاب کرده‌اند، اما در مقابل متأسفانه عده‌ای از مسئولان هستند که براساس جو حاکم بر فضای مجازی یا قضاوت بر مبنای مشاهدات سطحی، مردم تهران را دین‌گریز می‌دانند. وقتی مسئولی تعریف غلطی از واقعیت جامعه دارد، طبیعتاً سیاست‌گذاری او در بخش کلان هم مسیر اشتباهی را در پیش می‌گیرد. حالا در موضوع زنان و روایت زن تر از انقلاب اسلامی هم دقیقاً همین مشکل را داریم، یعنی مسئولانی که تعریف درستی از واقعیت اندیشه و نظرگاه زنان کشور ندارند و بدتر از آن اینکه مسئولان، موضوع لزوم روایتگری زن تر از انقلاب اسلامی را هم یک امر راهبردی نمی‌بینند، در نتیجه در سیاست‌گذاری یا منفعل می‌مانند، یا غلط برنامهریزی می‌کنند البته قطعاً همه مسئولان فرهنگی و اجتماعی کشور اینچنین نیستند، اما به هر حال آن خلأ ناشتن تعریف صحیح و کامل از واقعیت موجود و عدم درک مسئله و راهبردی ندانستن موضوع روایت زن تر از انقلاب اسلامی، یکی از مشکلات اکنون ما در بخش سیاست‌گذاری کلان کشور در این موضوع است.»